

«کتاب‌خانه کوچک آگاه»

سقوط در تاریکی

ترجمه کاوه اکبری

کامچاکتا، ارماسلو،فیکراس، ترجمه یوک دوآغی

ادرسون تیز در **وردس‌ویت‌اوت‌وودس**

«وقتی کودتای ۲۶ روی داد، قسط چند روز بعد

از شروع مدرسه، فهدیم اوضاع وخیم می‌نمود.

رئیس جمهور جدید مردی بود با کلاه گچی سیلین آژواک و قیافهٔ اخم‌گدازده. «ان پیش‌اگهی پس‌گی

است»؛ ده‌ساله، راوی رمان «کامچاکتا»، از مارسلو

فیکراس از ژانزینی، به‌استاد، در اشتراک نگاه

نداده، پس‌گی پیش می‌یفت. چند تن از عموها (دوستان پدرش) نابدید

می‌شوند، والدین‌اش نیز، کم‌توجه رژیم و احتمالاً چپ‌گرا هستند.

شغل‌هاشان را از دست می‌دهند و ناچار می‌شوند با دو پسرشان به خانه

امتی در حوالی پوتس-ایرس پناه ب‌یرند و مخفی شوند. اما اگر گمان

کرده‌اید که با یکی از داستان‌های آمریکایی‌لشتری دربارهٔ سرکوب و تبعید

سرورل دارید، چند این‌طور نیست – دست‌کم همهٔ داستان این نیست.

مادر، در انتظار برف در هوانا، خاطرات سرزنده‌ای که کارلوس اِرا

از گویا در دوران انقلاب بدست داده، رمان می‌فیکراس نیز نوشته‌است

است. آن‌هنگ برپرسر و میاهوی تاریخ را در جزئیات ظریف و ظلم‌زدگی

پسرچهای تکت کند. خود عنوان کتاب، «کامچاکتا» – منتقدانهٔ بخیزه

در روسیه که در ضمن یکی از قلمروهای راهپیم در بازی «پس‌گ»

است، ظنین غریب و زارآلودی دارد که از فضای پرتهدید دهه ۱۹۷۰ در

آرتزانتیسیل برپا می‌رود. است و آثار آغاز ازشاره‌ها و ارجاعات راوی است

به بازی‌ها، سیرال‌های تلویزیونی، رقیب‌رمان‌ها و داستان‌های عامیانه،

غوطه‌خوردن‌ها در خیال و رؤیا، که همگی استعاره‌هایی درخورو

سندیدند، پاری سخ از نروا و تقاضای که حسیمیت‌ها تجربه می‌کند.

برای نمونه، هویت‌های مستعاره که این خانواده باید برای خود برگزیند؛

راوی که الگویش هری هودنی است، نام «هری» را بر خود می‌نهد

و قصد می‌کند تا مثل هودنی، هرنزد فرام، ترجمهٔ صدقات بعدی خود

آن آرتاجیه‌گردد و دست‌ها را در ساختن

بخشی از آن نقش داشته‌است و به

همین دلیل راویات او روایتی است و نه

در گوسن هری می‌گوید «کامچاکتا» است – بیانهٔ پنهانی، پناهماهی

نمادین، هم‌آلود هری برای اولین آژور، «من مردم‌ترانی در

ماتی، گوسن‌های که ناامش را کامچاکتا می‌گذارم، هم در بزرگ‌سالگی به

یاد می‌آورد، «کسانی که کامچاکتاها واقعی خفایا جنبهٔ است» (برای

سرموا و کوه‌های شش‌شانی‌اش برای انژیولس)، «این جنبی مکانی در

دنیاها واقعیت و تواتر ندارد. چراکه بعضی مکان‌ها روی هیچ نقشه

جغرافیایی واقعیت ندارند. حال این توالید سخ می‌ماخویشانی نهفته در زیر پرچم

داستان-اسارت‌از رتف به آزادنگی و ترس، جدایی و فقدان – را در کرد

کنید، حتا در گذار از ایروودهای که ماجراجویی‌های او برادر را که در

عادات و عادات آشنایی خود بود، رفر افتاده، رواج می‌کند. قصد طباب

هوودنی و نقشه‌های پشوروشهای برای جابجی جابجی‌فرهنگ‌ها در غرض‌شان

در استخر و لابی‌های مهمان از سیرال‌های تلویزیونی مانند «همان‌ها»

هم‌فردن، حساس به گم‌گشای و زبان

می‌آیند که در شعرهایش و فیکراس

تصویری است نمادینایی و پنهانمانندی از تلاش‌های پسری – مقلتی

برای رتف سقوط در تاریکی و آشوب، بعد چنین چنان‌که هر یی سرانجام

درمی‌آید، تلاشی است برای بازتابن ظاهرهٔ نویسنده‌گشاده – جارهای

مقهور، برای دیدار دوباره عزیزان از دارم به نوشتن دربارهٔ آن –

نغمه‌ی سناکه، کریس آباتی، ترجمهٔ امیرالدین پور

دلیل تزیینک، درو کاردین، ۲۰۰۸ سپتامبر ۲۷

داستان‌کنن کریس آباتی دربارهٔ یک کودک، سرباز

نبرجهایی هم دل‌نشین است و هم دل‌آزار، این میان

سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱، کریس آباتی دربارهٔ یک

شاعر زودست تجربه، به‌راهمان‌ها به هر نوشتن

علیهٔ روش‌های نظامی و تکنیک‌های کشتورس به

زندا افتاد و شکستید، بود که نه نخستین‌بار در

هفت‌سالگی، مری حبس را چشید، در گذران یکی از حکومت‌هاییان با

«فلاکتی» بود، همین‌دش، موسیقی‌یانی که با اثر هنری‌اش با نخبگان حاکم

کشتهٔ سرشاده شد، زمانی که گوئی مجاری پنهان‌ان فقدان آباتی

از شنید، اثرنظ‌الطودی به داد، «حقیقت، دوستم من، پربخاطر

است»، آباتی در سال ۱۹۹۱، پس از یک خوش‌ایالی در یک دیگر

گریخت، در لندن و سپس لاندن، بعد آمریکا کشید، هرگز مگر در

نوشت‌هایش صراحتاً به مقاصد سیاسی نپرداخت و درعوض گام‌های

استواری در دست‌چوبی حقیقت‌روان‌شناختی برداشت. هارولد پیتیر

دربارهٔ «جمهوری لاتوآ»، گزیده‌ای از اشعار آباتی که از تجربه‌های آباتی

زندا قلم‌نمائی تجربهٔ می‌آید، چنین می‌گوید: «در زمان آباتی،

که می‌بود، از نظر زندان و زندانیان، هیچ‌سایهٔ سیاسی به دست نداد.»

داستانی آباتی نیز ضامین‌گویی‌های دارند، اما همواره ملایم و شگفت و

سرشار از صداقتی، شاعرانه و در زمان‌های سناکه، به «جن من»

هم‌سر می‌بود، پس‌گی پانزده‌سالهٔ او بود، یو آفیکو، دیگر یک دخلی

می‌پرسد و روایتی در بخشی از پاسخ

خود به این پرسش می‌گوید: «پیتیر

همهٔ بگویم که جیمز‌گیلری یک مکتب

نست یک کشف است، کشف یک کار

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گویش‌های زبان، و پیوستش گفتن و اکنون از ده‌هاشد، چنان

افتاده، در کتاب‌های پاران‌آلی، از نظر یک کشتهٔ از خاطرات زندگی

خاندان‌گیلری پیش از جنگ و ادویدی، سرات‌های است که خود نیز در آن

دستی داشته‌است. او و همکار، صورت‌توان یان بخت من از آشفته‌گاه به

زندمونی‌خودن چنین می‌شود. این فضای غیرواقعی میسر و موزارت

با استعارهٔ کهن تا عصرهای جدید، و ما

چنهٔ کوچک و بخت‌موزان به خنثاسری من گماشته‌اند. او این

انفجاری در گو